



تأثیر کیفیت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات در بازار سرمایه

آرزو موحدی^{۱*}، حسین کاظمی^۲، فاطمه صراف^۳

۱- کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه رجا، قزوین

۲- عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه رجا، قزوین

۳- عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه رجا، قزوین

* arezoo.movahedi@gmail.com

ارسال: دی ماه ۹۷ پذیرش: بهمن ماه ۹۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات در بازار سرمایه بود. بر همین اساس، این پژوهش با تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به ۹۲ شرکت نمونه در دوره زمانی ۱۰ ساله از سال های ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۵ بدنبال دستیابی به این هدف بود. برای تجزیه و تحلیل داده های مربوطه، رگرسیون چند متغیره و داده های ترکیبی به کار گرفته شد. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که اندازه حسابرس، به طور مثبت و معنادار، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات تأثیرگذار است. همچنین، تخصص در صنعت حسابرس، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت و معناداری دارد. از سوی دیگر، دوره تصدی حسابرسی، تأثیر مثبت و معناداری بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات دارد.

کلمات کلیدی: سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، اندازه حسابرس، تخصص در صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرسی.

۱- مقدمه

یکی از عوامل بسیار مهم برای یک حاکمیت شرکتی مطلوب و بهینه، اتخاذ سیاست مبتنی بر شفافیت و افشای اطلاعات می باشد. در واقع، روش های افشاسازی یک شرکت را می توان به عنوان مکانیزمی در حمایت از حقوق سرمایه گذاران خارجی در نظر گرفت و این امر سبب می شود تا عدم تقارن اطلاعاتی کمتر بوجود آمده و هزینه نمایندگی کاهش یابد. در شرکت هایی که رویه های ضعیف شفافیت مالی و افشای اطلاعات را اتخاذ کرده اند، مدیران احتمال بیشتری برای استفاده از مزیت اطلاعاتی خود به منظور پیشبرد منافع شخصی حاصل از کنترل داشته که در نهایت، به افزایش هزینه های نمایندگی برای سهامداران منجر خواهد شد. هرچه مسائل نمایندگی حادث تر باشد، افراد درون سازمانی (مانند مدیران اجرایی یا مالکان کنترل گر) به راحتی می توانند ثروت و حقوق سهامداران خرد را مورد بهره برداری قرار دهند؛ دلیل این رخداد این است که حاکمیت شرکتی ضعیف، با رویه های افشای نامطلوب در ارتباط

است (چن و همکاران، ۲۰۰۷). ادبیات نظری موجود بیانگر این است که کیفیت حسابرسی، می تواند افشای داوطلبانه را تحت تأثیر قرار دهد؛ از اینرو، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر افشای داوطلبانه در بازار سرمایه ایران می پردازد.

۲- مبانی تحقیق

سرمایه گذاران و اعتباردهندگان براساس اطلاعات منتشرشده در گزارش های اقتصادی، مالی و غیرمالی، تصمیم می گیرند. سرمایه گذاران و اعتباردهندگان در تصمیم هایشان، علاوه بر اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی مانند اطلاعات کارکنان، عملکرد اجتماعی و زیست محیطی و دارایی های نامشهود را دخالت می دهند. مدیران می توانند برای شفاف تر شدن اطلاعات، اطلاعات مالی و غیرمالی واقعیت های اقتصادی شرکت را به طور داوطلبانه از طریق گزارشگری مالی، افشا کنند (بشیری منش و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش های سال های اخیر نشان داده است که چارچوب گزارشگری مالی سنتی، توانایی ارائه اطلاعات کاملی از فعالیت های شرکت را ندارد (گوتتری و بودکر، ۲۰۰۶). براساس شواهد تجربی، اطلاعات مهمی مانند اطلاعات دارایی های نامشهود، مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت، سازو کارهای حاکمیت شرکتی و چشم اندازهای آینده فعالیت های شرکت، در گزارشگری سنتی جایگاهی ندارد. از اینرو، در راستای رفع نقص های گزارشگری سنتی، انجمن های حرفه ای حسابداری، بورس های اوراق بهادار و شرکت های رتبه بندی بین المللی، با تدوین الگوها و چارچوب هایی برای افشای داوطلبانه، به مدیران پیشنهاد کرده اند در حد امکان، نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را به کمک آنها برطرف کنند (بشیری منش و همکاران، ۱۳۹۴).

شفافیت و افشای اطلاعات شرکت ها را می توان به عنوان مکانیزمی در حمایت از حقوق سرمایه گذاران خارجی در نظر گرفت و این امر سبب می شود تا عدم تقارن اطلاعاتی کمتر به وجود آید و هزینه نمایندگی کم شود. عدم تقارن اطلاعاتی، دارای پیامدهای نامطلوب متفاوتی از قبیل، افزایش هزینه های معاملات، ضعف بازار، نقدشوندگی پایین و به طور کلی کاهش سود حاصل از معاملات در بازار سرمایه خواهد شد. این پیامدهای نامطلوب را می توان با افشا و شفافیت اطلاعات مالی به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تعدیل نمود (دوانی و معینی، ۱۳۸۶). تقویت عنصر افشا در حاکمیت شرکتی، منجر به آگاهی بازار از کیفیت سهام شرکت ها و به تبع آن، افزایش ارزش شرکت و یا کاهش هزینه سرمایه می گردد (فرانکل و همکاران، ۱۹۹۹).

اغلب چنین استدلال می شود که جریان شفاف و با کیفیت اطلاعات، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی^۱ می گردد. عدم تقارن اطلاعاتی، موجب بروز مشکلاتی نظیر مخاطره اخلاقی^۲ و انتخاب نادرست^۳ می شود. لذا، دلیل اصلی تأکید مطالعات اخیر بر افشای داوطلبانه و افزایش شفافیت اطلاعات، این است که این دو به عنوان دو مکانیزم مهم برای حفاظت از حقوق ذینفعان از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین کاهش هزینه سرمایه^۴ شرکت تلقی می شوند. افشای داوطلبانه، به طور مثبت بر عملکرد شرکت تأثیر گذاشته و نیز از منافع سهامداران محافظت کرده و می تواند به سرمایه گذاران در اطلاع یافتن از راهبردهای تجاری مدیریت، کمک کند (ستایش و همکاران، ۱۳۹۴).

از جمله عواملی که می تواند بر سطح افشای اختیاری اطلاعات در شرکت ها تأثیرگذار باشد، ویژگی های کیفیت حسابرسی است. لی و همکاران (۲۰۰۶) این موضوع را مطرح می کنند که کیفیت اطلاعات صورت های مالی، عملکرد مشترکی از اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت از یک سو و فرایند حسابرسی از سوی دیگر است. بنابراین، محتوای گزارش های سالانه، صرفاً توسط حسابرسان مورد حسابرسی قرار نگرفته، بلکه از آنها تأثیر نیز می پذیرد. همچنین، آشباگ^۵ و وارفیلد (۲۰۰۳) عقیده بر این دارند که فرایند حسابرسی مستقل خارجی، اهمیت ویژه ای برای حاکمیت شرکتی داشته و این فرایند، ابزاری برای پوشش شفافیت گزارشگری مالی محسوب می شود.

- 1- Information Asymmetry
- 2- Moral Hazard
- 3- Adverse Selection
- 4- Cost of Equity
- 5- Lee
- 6- Ashbaugh and Warfield

مطالعات پیشین ابراز می‌دارند که کیفیت بالای حسابرسی، به بهبود افشای داوطلبانه در گزارش‌های سالانه کمک می‌نماید (به عنوان مثال، چالمز و گادفری، ۲۰۰۴؛ مارتینز و همکاران، ۲۰۱۶). مدیران همواره به دنبال ارائه و افشای اطلاعات خصوصی سودمند هستند؛ بنابراین، آنها نیاز به برخی از مکانیزم‌های اعتباربخشی دارند. کیفیت بالای حسابرسی، یکی از این مکانیزم‌ها می‌باشد (احمدی و بوری، ۲۰۱۷). به عنوان بخشی از نظریه نمایندگی، حسابرسی مستقل، به محدود شدن دستکاری حسابداری توسط مدیران و در نتیجه کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک می‌کند (فاما، ۱۰، ۱۹۸۰). حسابرسی که واجد صلاحیت، شایستگی و استقلال است، بدون اینکه تحت تاثیر فرصت طلبی مدیریت قرار بگیرد، قادر به کشف و افشای عناصر تقلب در صورت‌های مالی خواهد بود (احمدی و بوری، ۲۰۱۷). دو ویژگی یک شرکت حسابرسی، به طور عمده بر کیفیت حسابرسی تاثیرگذار هستند: ۱. اندازه حسابرس (دی آنجلو، ۱۱، ۱۹۸۱) و ۲. اعتبار حسابرس (کلین و لفلر، ۱۲، ۱۹۸۱). مطالعات بیان می‌دارند که هرچه اندازه (اعتبار) حسابرس بزرگ‌تر باشد (که نشان دهنده کیفیت بالای حسابرسی نیز خواهد بود)، کیفیت سود شرکت صاحبکار بهبود یافته و این مورد، به کاهش مشکل تقارن اطلاعاتی بین مدیران و ذینفعان کمک خواهد کرد (چالمز و گادفری، ۲۰۰۴). دیویدسون و نیو، ۱۳ (۱۹۹۳) بیان می‌دارند که شرکت‌های حسابرسی بزرگ‌تر و دارای اعتبار بیشتر، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند؛ زیرا شرکت‌های حسابرسی در مقیاس کوچک و اعتبار کمتر، از منابع و تسهیلات بهتر برای آموزش حسابرسان جهت اجرای حسابرسی با کیفیت استفاده می‌کنند. مارتینز و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌دارند که صورت‌های مالی حسابرسی و تایید شده توسط حسابرسان مصطلح به «بیگ‌۱۴»، اعتماد سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی را تقویت کرده و از سوی دیگر، باعث افزایش کیفیت و کمیت اطلاعات افشا شده خواهند شد (پالمر، ۱۵، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، هرچقدر حسابرس بزرگ‌تر و شناخته شده‌تر باشد، اثرگذاری بیشتری نیز از خود بجای خواهد گذاشت. به این ترتیب، شرکت‌هایی که توسط حسابرسان معتبر و بزرگ‌تر مورد حسابرسی قرار می‌گیرند، به احتمال فراوان، افشای اختیاری با جزئیات بیشتری را در گزارش‌های سالانه خود ارائه خواهند داد. (والاس، ۱۶ و همکاران، ۱۹۹۴). در حقیقت، این حسابرسان، علاوه بر اینکه میزان اطلاعات افشا شده را تحت تاثیر قرار داده و موجب افزایش آن می‌شوند، به طور میانگین، کیفیت اطلاعات افشا شده را نیز بهبود خواهند بخشید (بوشمن، ۱۷ و همکاران، ۲۰۰۴).

مایرز و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌دارند یکی از معیارهای کمی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، مراقبت حرفه‌ای حسابرسان و توانایی نظارت آنان (یعنی دوره تصدی حسابرسی) است؛ آنها نتیجه گرفتند که هرچه دوره تصدی حسابرسی بیشتر باشد، دانش او از صاحبکار و در نتیجه تخصص او در آن صنعت بیشتر خواهد بود که منجر به افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. با مشاهده سهم بازار نسبی شرکت‌های حسابرسی که خدماتی را برای صنعت خاص ارائه می‌دهند، می‌توان تخصص در صنعت حسابرسی را شناسایی کرد. شرکت‌هایی که دارای سهم بیشتری از بازار باشند، دارای دانش تخصصی در زمینه صنعت خواهند بود (مایرز و همکاران، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، حسابرسان متخصص در صنعت، با اتکا به دانش مرتبط با صنعت خود، با صرف هزینه‌های حسابرسی پایین‌تر، کار حسابرسی با کیفیت‌تری ارائه می‌دهند. همچنین، تخصص در صنعت حسابرسان، در برخی از بخش‌های خاص، به آنها اعتبار قابل ملاحظه‌ای در صنعت اعطا می‌کند. آنها برای حفظ این اعتبار، باید خدمات با کیفیت از خود ارائه دهند؛

7- Chalmers and Godfrey

8- Martins

9- Ahmadi and Bouri

10- Fama

11- DeAngelo

12- Klein and Leffler

13- Davidson and Neu

14- Big

15- Palmer

16- Wallace

17- Bushman

18- Myers

زیرا در غیر اینصورت، زیان (از دست دادن اعتبار) خواهند دید (الدر راندال، ۱۹، ۲۰۱۵). دان و مایهوه (۲۰۰۴) بیان می دارند که انتخاب حسابرس در شرکت ها، بخشی از استراتژی افشای آنها می باشد. انتخاب حسابرس متخصص در صنعت، حاکی از تصمیم شرکت برای ارائه افشای با کیفیت بالا است. افشای اطلاعات در شرایط نامطمئن، برای شرکت هایی که توسط حسابرسان دارای شهرت و اعتبار (با اندازه بزرگ)، مورد حسابرسی قرار می گیرند، نسبت به سایر شرکت ها، بیشتر است (کلارکسون ۲۱ و همکاران، ۲۰۰۳). شرکت های حسابرسی دارای اعتبار، برای افزایش سطح تخصص خود تلاش می کنند. آنها سعی می کنند بر مقررات و ویژگی های صنعت تمرکز کرده تا خطر دعاوی حقوقی کمتر، رشد سریع تر و صاحبکاران بیشتری داشته باشند (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۶). آبدین ۲۲ و همکاران (۲۰۱۲) ابراز داشتند هرچه میزان بکارگیری حسابرسان متخصص در صنعت بیشتر باشد، تاخیر در ارائه گزارشگری کاسته شده و در نتیجه بر کیفیت اطلاعات نیز افزوده خواهد شد.

در نهایت، هرچه دوره تصدی حسابرسی بیشتر باشد، دانش و تخصص او در آن صنعت خاص افزایش پیدا کرده و متعاقباً کیفیت حسابرسی نیز بهبود می یابد. کیفیت حسابرسی انجام شده توسط چنین حسابرسانی، بالاتر خواهد بود؛ زیرا آنها خواهان حفظ جایگاه خود در میان صاحبکاران مختلف هستند. بنابراین، شرکت های تحت حسابرسی چنین حسابرسانی، از سوی آنها برای ارائه و افشای اطلاعات بیشتر، با کیفیت بالاتر و در نهایت با جزئیات بیشتر، تشویق خواهند شد (بلاندون و بوش ۲۳، ۲۰۱۳).

الفرح و الموتاوا (۲۴، ۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه پرداختند. نتایج بیان داشتند که ریاست متقابل، اندازه هیئت مدیره و دوگانگی وظایف، رابطه ای منفی با افشای داوطلبانه دارند؛ در حالی که مالکیت دولتی، رابطه ای مثبت با افشای داوطلبانه دارد. در مقابل، نسبت مدیران غیرموظف، اعضای خانواده در هیأت مدیره، وجود کمیته حسابرسی و حضور خانواده حاکم در هیئت مدیره، تأثیر فاقد معنی دار بر رویه های افشای داوطلبانه دارند.

الدیفتر ۲۵ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی، افشای داوطلبانه و شفافیت شرکت پرداختند. نتایج تجربی نشانگر این موضوع بود که مالکیت بانکی و مالکیت خارجی، اثرات مثبت معنی داری بر افشای داوطلبانه و شفافیت دارند. در میان چهار ویژگی شرکتی که در تحقیق مورد بررسی قرار گرفته بود، تنها اندازه شرکت، تأثیر مثبتی بر افشای داوطلبانه و شفافیت داشت. احمدی و بوری (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر برخی ویژگی های کیفیت حسابرسی (اعتبار حسابرس و تخصص در صنعت حسابرس) بر سطح افشای داوطلبانه در گزارش های سالیانه پرداختند. با تجزیه و تحلیل داده های پانل از طریق نمونه ای از ۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تونس در دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، نتایج نشانگر این موضوع بود که تخصص در صنعت حسابرس و اعتبار حسابرس، سطح افشای داوطلبانه را بهبود می بخشد.

با عنایت به تفاسیر فوق، ملاحظه می گردد که اعتبار و شهرت بالای حسابرس (اندازه حسابرس)، تخصص حسابرس در صنعت و نیز دوره تصدی حسابرسی، باعث افزایش کیفیت حسابرسی در شرکت ها شده و متعاقباً، موجب تأثیرگذاری بر رویه های افشای اطلاعات در شرکت گردیده و بهبود میزان و کیفیت افشای اطلاعات را در پی خواهد داشت. بنابراین، سوالی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است، عبارت است از اینکه: کیفیت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات در بازار سرمایه چه تأثیری دارد؟

19- Elder Randal

20- Dunn and Mayhew

21- Clarkson

22- Abidin

23- Blandon and Bosch

24- Alfraih and Almutawa

25- El-Diftar

۳- روش تحقیق

با توجه به اینکه نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، لذا این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین از آنجایی که با استفاده از مدل‌های رگرسیونی، همبستگی بین دو یا چند متغیر بررسی می‌شود، از لحاظ ماهیت، توصیفی-همبستگی است. همچنین از آنجایی که با استفاده از داده‌های واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است از نوع پس رویدادی است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی رگرسیونی چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews بهره گرفته خواهد شد.

جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
 ۲. طی بازده زمانی تحقیق، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۳. معاملات سهام آن‌ها طی بازه زمانی مورد نیاز بیش از ۳ ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 ۴. کلیه داده‌های مورد نیاز تحقیق برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.
 ۵. جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و لیزینگ) نباشد.
- با اعمال شرایط فوق، تعداد ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شد.

۴- فرضیه‌های تحقیق

فرضیات متناظر با اهداف تحقیق، به شرح زیر می‌باشد:

۴-۱- فرضیه اصلی:

کیفیت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر دارد.

۴-۲- فرضیه‌های فرعی:

اندازه حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر دارد.

تخصص در صنعت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر دارد.

دوره تصدی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر دارد.

۵- متغیرهای تحقیق**۵-۱- متغیرهای وابسته**

متغیر وابسته در این پژوهش، سطح افشای داوطلبانه اطلاعات (VolDis) است:

سطح افشای داوطلبانه، براساس شاخص‌های پیشنهادی توسط بوتوسان (۱۹۹۷) که برگرفته از نظرات کمیته جنکینز بود، اندازه‌گیری می‌شود. در مدل بوتوسان، شاخص‌های مورد استفاده، از طریق گزارشات راهبری شرکتی و نیز ارقام رتبه‌بندی شرکت‌های آمریکایی استخراج شده بود. به دلیل فقدان موارد مذکور در ایران و با توجه به اینکه سازمان حسابرسی، کتابچه‌ای تحت‌عنوان قالب نمونه گزارشگری منتشر نموده و شرکت‌ها در تهیه و گزارش اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات داوطلبانه در متن صورت‌های مالی را محدود نموده است؛ لذا برای استخراج شاخص‌های افشای داوطلبانه اطلاعات، به گزارش فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها اتکا خواهد گردید. نهایتاً، برای اندازه‌گیری سطح افشای داوطلبانه، پرسشنامه تعدیل‌شده بوتوسان که توسط کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) تنظیم شده بود، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. شاخص‌ها پس از بررسی از نظر الزامی بودن مطابق استانداردهای حسابداری یا قانونی، در شش بخش کلی به شرح ذیل (شامل ۷۱ شاخص) تعیین گردیدند:

۱. پیشینه اطلاعاتی،

۲. خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم،
۳. آماره های کلیدی غیرمالی،
۴. اطلاعات بخش ها،
۵. اطلاعات پیش‌بینی،
۶. بحث و تحلیل مدیریت

اجزای تشکیل دهنده و نحوه امتیازدهی هر کدام، در جدول شماره (۱) ارائه شده است. امتیاز افشای داوطلبانه، از تقسیم مجموع امتیاز حاصله از ۶ بخش بر کل امتیاز قابل دریافت یعنی ۱۳۴ به دست می آید.

جدول ۱- نحوه امتیازدهی شاخص‌های افشای داوطلبانه

<p>خلاصه‌ای از فعالیت‌ها - بیان اهداف یا طرح‌ها - بیان کلی استراتژی - اقدامات انجام شده در طی سال برای دستیابی به اهداف - اقدامات برنامه‌ریزی شده برای دستیابی در سال‌های آتی - برنامه زمانی برای دستیابی به اهداف - محیط رقابتی - تأثیر رقابت بر سودهای جاری - تأثیر رقابت بر سودهای آتی - توصیف کلی شرکت - محصولات یا خدمات اصلی تولید شده - مشخصه‌های ویژه آنها - بازارهای اصلی - مشخصه‌های ویژه آنها - تشریح کارخانجات و انبارها - ساختار سازمانی - چارت سازمانی مدیریت</p>				پیشینه اطلاعاتی	
به هر قلم گزارش شده، یک امتیاز		در صورت کمی بودن گزارش، یک امتیاز دیگر			
<p>نسبت‌های سوددهی - نسبت‌های ساختار مالی - نسبت‌های نقدینگی - نسبت‌های دیگر - پیش‌بینی سود هر سهم - سنجش فروش‌ها - سنجش سود عملیاتی - سنجش سود خالص</p>				خلاصه‌ای از عملکرد تاریخی	
نسبت‌ها و پیش‌بینی سود هر سهم		فروش، درآمد عملیاتی و سود خالص			
اگر اطلاعات دوره آخر (X) باشد، یک امتیاز	اگر اطلاعات دوره (X-1) باشد، یک امتیاز دیگر	اگر اطلاعات دوره (X-2) باشد، یک امتیاز دیگر	اگر با اشاره به دوره (X-2) باشد، یک امتیاز دیگر		
<p>میانگین حقوق هر کارمند - میانگین سن کارکنان کلیدی - سهم از بازار محصولات یا خدمات اصلی - واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی - قیمت فروش هر واحد مربوط به محصولات یا خدمات اصلی - میزان رشد در واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات یا خدمات اصلی - فروش سر به سر مربوط به محصولات یا خدمات اصلی - زمان انجام تولید یا تحویل - تشریح روش‌ها یا فنون تولید - تشریح مشتری‌ها</p>				آماره‌های کلیدی غیرمالی	
<p>دو امتیاز برای هر کدام از اطلاعات گزارش شده</p>					
<p>تشریح دارایی‌ها، بدهی‌ها یا تأمین مالی - استهلاک - سود عملیاتی - سرمایه‌گذاری - تحقیق و توسعه</p>				اطلاعات بخش‌ها	
<p>یک امتیاز به هر یک از اقلام گزارش شده</p>					
<p>مقایسه پیش‌بینی‌های قبلی سود با سودهای واقعی - مقایسه پیش‌بینی‌های قبلی فروش‌ها با فروش‌های واقعی - تأثیر فرصت‌های موجود بر فروش‌ها یا سودهای آتی - تأثیر پوشش ریسک شرکت بر فروش‌ها یا سودهای آتی - پیش‌بینی سهم از بازار - پیش‌بینی گردش وجه نقد - پیش‌بینی مخارج سرمایه‌ای - پیش‌بینی مخارج تحقیق و توسعه - پیش‌بینی سودهای آتی - پیش‌بینی فروش‌های آتی</p>				اطلاعات پیش‌بینی	
موارد کیفی ارقام ۱ و ۲، یک امتیاز		موارد کیفی ارقام ۳ الی ۱۰، دو امتیاز		برای ارقام کمی، یک امتیاز	
یک امتیاز به ۹ و ۱۰، برای اشاره به بخش (های) اصلی					
<p>توضیحاتی در خصوص تغییر در فروش‌ها - توضیحاتی در خصوص تغییر در درآمد عملیاتی - توضیحاتی در خصوص تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته - توضیحاتی در خصوص تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته به عنوان درصدی از فروش‌ها - توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص - توضیحاتی در خصوص تغییر در سود ناخالص به عنوان درصدی از فروش‌ها - توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه‌های اداری و تشکیلاتی - توضیحاتی در خصوص تغییر در هزینه بهره یا درآمد بهره - توضیحاتی در خصوص تغییر در سود خالص - توضیحاتی در خصوص تغییر در موجودی کالا - توضیحاتی در خصوص تغییر در حساب‌های دریافتی - توضیحاتی در خصوص تغییر در مخارج سرمایه‌ای - توضیحاتی در خصوص تغییر در مخارج تحقیق و توسعه - توضیحاتی در خصوص تغییر در سهم از بازار - تفسیر نسبت‌های سوددهی - تفسیر نسبت‌های ساختار مالی - تفسیر نسبت‌های نقدینگی - تفسیر دیگر نسبت‌ها - تفسیر پیش‌بینی سود هر سهم</p>				بحث و تحلیل مدیریت	

در مورد ارقام ۱ و ۲، اگر به بخش‌های اصلی اشاره شود، یک امتیاز	موارد کمی ارقام ۱ الی ۱۴، به استثنای فروش و درآمد عملیاتی، یک امتیاز	موارد کیفی ارقام ۱ الی ۱۴، یک امتیاز
در مورد ارقام ۱ و ۲، اگر بر مبنای سرجمع باشد، نیم امتیاز	در مورد ارقام ۱۵ الی ۱۹، اگر روند نیز بررسی شود، یک امتیاز دیگر	در مورد ارقام ۱۵ الی ۱۹، اگر نسبت‌های (X) لحاظ شود، یک امتیاز

سیاست‌ها و خط‌مشی‌های افشای شرکت‌ها در طی سال‌های مختلف تا حدودی یکسان و پایدار است (بوتوسان، ۱۹۹۷). برای مثال، هیلی و همکاران (۱۹۹۵)، تنها ۹۰ شرکت بزرگ را از بین ۵۹۵ شرکت در ۲۳ صنعت که در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ بررسی شده بودند را تعیین کردند که از نظر میزان افشا، در طی سال‌های مورد بررسی تغییر قابل ملاحظه‌ای از نظر رتبه افشا داشتند که بیانگر این واقعیت است که مشاهدات افشای داوطلبانه شرکت‌ها، از سالی به سال دیگر مستقل از هم نیستند و تقریباً از روال ثابتی برخوردار است. بوتوسان (۱۹۹۷) در پژوهش خود، سطح افشای داوطلبانه را تنها برای سال مالی ۱۹۹۰ بررسی کرد. همچنین، کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) نیز برای تعیین سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها، تنها سال مالی ۱۳۸۵ را مورد مطالعه قرار دادند. بر همین اساس، در این تحقیق نیز برای جمع‌آوری اطلاعات سطح افشای داوطلبانه، سال مالی ۱۳۹۰ مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲-۵- متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش، کیفیت حسابرسی که برای سنجش آن، از سه معیار اندازه حسابرس، تخصص در صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرسی استفاده گردیده است.

الف: اندازه حسابرس (AuditSize):

اندازه حسابرس، بصورت متغیر مجازی تعریف می‌شود. به این صورت که اگر حسابرسی شرکت، بر عهده سازمان حسابرسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر تعلق خواهد گرفت.

ب: تخصص حسابرس در صنعت (AuditIE):

در این پژوهش، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره برده می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار، اشاره دارد به اینکه حسابرس، به طور موفقیت آمیزی خود را از لحاظ کیفیت حسابرسی، از سایر رقیبان متمایز کرده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹). سهم بازار حسابرسان به صورت رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

$$\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص} \quad (1)$$

$$\text{مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران در صنعت خاص}$$

ج: دوره تصدی (AuditTen):

عبارت است از تعداد سال‌هایی که حسابرس سال جاری، حسابرسی شرکت را به عهده داشته است.

۳-۵- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

ROA: بازده دارایی‌ها که عبارت است از نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال.

Size: اندازه شرکت که عبارت است از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت.

Lev: اهرم مالی که عبارت است از نسبت مجموع بدهی‌های شرکت به مجموع دارایی‌های آن.

MB: نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال.

۶- مدل‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های تحقیق

$$\text{VolDis}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditSize}_{i,t} + \text{Controls}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

برای بررسی فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده می گردد:

$$\text{VolDis}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditIE}_{i,t} + \text{Controls}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

برای بررسی فرضیه سوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده می گردد:

$$\text{VolDis}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditTen}_{i,t} + \text{Controls}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

۷- یافته ها

۷-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق حاضر بصورت خلاصه در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
سطح افشای داوطلبانه	۰/۳۳۶	۰/۳۲۸	۰/۵۰۰	۰/۱۳۴	۰/۰۷۷
تخصص در صنعت حسابرس	۰/۲۱۲	۰/۰۹۳	۰/۸۵۱	۰	۰/۲۴۵
دوره تصدی حسابرسی	۳/۴۴۰	۳	۱۰	۱	۲/۲۵۲
اندازه شرکت	۱۳/۹۷۸	۱۳/۸۱۶	۱۹/۰۶۶	۱۰/۸۱۵	۱/۴۳۱
بازده دارایی ها	۰/۱۰۰	۰/۰۸۹	۰/۶۲۱	-۰/۷۹۷	۰/۱۳۵
اهرم مالی	۰/۶۲۹	۰/۶۲۷	۲/۴۲۲	۰/۰۸۹	۰/۲۲۴
ارزش بازار به ارزش دفتری ح.ص.س.	۱/۷۰۶	۱/۴۷۵	۶/۷۹۴	-۶/۷۶۲	۱/۲۴۶
متغیرهای صفر و یک					
متغیر	مشاهدات با ارزش صفر	مشاهدات با ارزش یک	کل مشاهدات		
اندازه حسابرس	۶۵۸	۲۶۲	۹۲۰		

از بین شاخص های مرکزی بیان شده میانگین مهم ترین آن ها محسوب می شود که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. برای مثال، میانگین متغیر سطح افشای داوطلبانه برابر با ۰/۳۳۶ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر، حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه نیز یکی از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می شود میانه متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۶۲۷ است که نشان می دهد نیمی از داده های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می باشد.

۸- آزمون فرضیات تحقیق

۸-۱- آزمون فرضیه اول

فرضیه اول تحقیق حاضر، به بررسی تأثیر اندازه حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات می پردازد. قبل از ارائه نتایج نهایی برآورد مدل مربوط به این فرضیه، نیاز به تعیین نوع داده های ترکیبی می باشد. جهت تعیین نوع داده های ترکیبی (تابلویی یا تلفیقی) از آزمون F لیمر و همچنین جهت تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی داده های تابلویی نیز از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج این آزمون ها در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتیجه	هاسمن		نتیجه	F لیمر		آزمون
	معداری	مقدار آماره		معداری	مقدار آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۱/۰۶۶	تابلویی	۰/۰۰۰	۲/۶۳۳	مدل رگرسیونی فرضیه اول

با توجه به نتایج آزمون F لیمر و هاسمن، مشخص است که مدل رگرسیونی فرضیه اول، داده های تابلویی از نوع اثرات ثابت می باشد. نتایج نهایی آزمون فرضیه مزبور، در جدول شماره (۴) بشرح زیر ارائه شده است.

جدول ۴- تأثیر اندازه حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات

متغیر وابسته: بازده دارایی			
معداری	آماره t	ضریب	متغیرها
۰/۰۰۰	۴/۹۸۶	۱/۵۳۰	β_0
۰/۰۰۰	۱۰/۸۴۹	۰/۰۱۰	اندازه حسابرس
۰/۰۰۰	۹/۲۱۷	۰/۰۱۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۵/۲۰۹	۰/۰۰۰	بازده دارایی ها
۰/۰۰۰	-۵/۳۵۷	-۰/۶۸۶	اهرم مالی
۰/۷۶۰	۰/۳۰۵	۱/۰۸۴	ارزش بازار به ارزش دفتری ح.ص.س.
۵۴/۹۳۳ (۰/۰۰۰)			آماره F (معداری)
۰/۳۳۱			ضریب تعیین
۰/۳۱۶			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۷۰۳			آماره دورین - واتسون

نتایج حاصل از تخمین مدل مربوط به فرضیه فرعی اول پژوهش مبنی بر تأثیر اندازه حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته، نشان می دهد که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده (P-Value = 0.000) و مقدار R^2 تعدیل شده برابر ۰/۳۱۶ می باشد و نشان می دهد که حدود ۳۱ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی بیان می گردد. ضریب برآوردی مورد نظر در این مدل، β_1 (اندازه حسابرس) است که نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر اندازه حسابرس، میزان یا سطح افشای داوطلبانه شرکت ها، به اندازه ۰/۰۱۰ افزایش می یابد. از سوی دیگر، این متغیر در سطح اطمینان مورد نظر معنی دار می باشد (P-Value = 0.000) و ضریب مثبت این متغیر، گویای آن است که اندازه حسابرس، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت دارد. در نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش تایید می شود. از طرف دیگر، از میان متغیرهای کنترلی، ملاحظه می شود که متغیرهای اندازه شرکت و بازده دارایی ها، تأثیر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته پژوهش داشته و متغیر اهرم مالی، تأثیر منفی و معناداری بر متغیر مزبور دارند.

۲-۸- آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم تحقیق حاضر، به بررسی تأثیر تخصص در صنعت حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات می پردازد. قبل از ارائه نتایج نهایی برآورد مدل مربوط به این فرضیه، نیاز به تعیین نوع داده های ترکیبی می باشد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتیجه	هاسمن		نتیجه	F لیمر		آزمون
	معداری	مقدار آماره		معداری	مقدار آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۶/۳۱۱	تابلویی	۰/۰۰۰	۲/۴۷۷	مدل رگرسیونی فرضیه دوم

با توجه به نتایج آزمون F لیمر و هاسمن، مشخص است که مدل رگرسیونی فرضیه دوم، داده های تابلویی از نوع اثرات ثابت می باشد. نتایج نهایی آزمون فرضیه مزبور، در جدول شماره (۶) بشرح زیر ارائه شده است.

جدول ۶- تأثیر تخصص در صنعت حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات

متغیر وابسته: سطح افشای داوطلبانه اطلاعات			
متغیرها	ضریب	آماره t	معناداری
β_0	۰/۰۱۹	۳/۳۴۳	۰/۰۰۰
تخصص در صنعت حسابرس	۰/۰۰۸	۲/۰۷۶	۰/۰۳۸
اندازه شرکت	۰/۰۰۷	۱۹/۱۹۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	۰/۰۰۰	۳/۲۸۳	۰/۰۰۱
اهرم مالی	-۰/۰۳۴	-۱۵/۶۱۶	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری ح.ص.س.	۱/۰۷۹	۰/۲۹۱	۰/۷۷۰
آماره F (معناداری)		۴۶/۳۲۰ (۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین		۰/۳۲۰	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۹۷	
آماره دوربین - واتسون		۱/۸۱۰	

نتایج حاصل از تخمین مدل مربوط به فرضیه فرعی دوم پژوهش مبنی بر تأثیر تخصص در صنعت حسابرس بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته، نشان می دهد که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده (P-Value = 0.000) و مقدار R^2 تعدیل شده برابر ۰/۲۹۷ می باشد و نشان می دهد که حدود ۲۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی بیان می گردد. ضریب برآوردی مورد نظر در این مدل، β_1 (تخصص در صنعت حسابرس) است که نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر تخصص در صنعت حسابرس، میزان یا سطح افشای داوطلبانه شرکت ها، به اندازه ۰/۰۰۸ افزایش می یابد. از سوی دیگر، این متغیر در سطح اطمینان مورد نظر معنی دار می باشد (P-Value = ۰/۰۳۸) و ضریب مثبت این متغیر، گویای آن است که تخصص در صنعت حسابرس، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت دارد. در نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش تایید می شود. از طرف دیگر، از میان متغیرهای کنترلی، ملاحظه می شود که متغیرهای اندازه شرکت و بازده دارایی ها، تأثیر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته پژوهش داشته و متغیر اهرم مالی، تأثیر منفی و معناداری بر متغیر مزبور دارند.

۳-۸- آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم تحقیق حاضر، به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات می پردازد. قبل از ارائه نتایج نهایی برآورد مدل مربوط به این فرضیه، نیاز به تعیین نوع داده های ترکیبی می باشد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در جدول شماره (۷) ارائه شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نتیجه	هاسمن		نتیجه	F لیمر		آزمون
	معناداری	مقدار آماره		معناداری	مقدار آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۳/۴۳۳	تابلویی	۰/۰۰۰	۲/۲۲۴	مدل رگرسیونی فرضیه سوم

با توجه به نتایج آزمون F لیمر و هاسمن، مشخص است که مدل رگرسیونی فرضیه سوم، داده های تابلویی از نوع اثرات ثابت می باشد. نتایج نهایی آزمون فرضیه مزبور، در جدول شماره (۸) بشرح زیر ارائه شده است.

جدول ۸- تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات

متغیر وابسته: سطح افشای داوطلبانه اطلاعات			
معناداری	آماره t	ضریب	متغیرها
۰/۰۰۰	۴/۴۱۱	۱/۳۳۴	β_0
۰/۰۴۵	۲/۰۰۲	۰/۰۰۰	دوره تصدی حسابرسی
۰/۰۰۰	۲۳/۶۳۱	۰/۰۰۷	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۵/۱۸۷	۰/۰۰۰	بازده دارایی ها
۰/۰۰۰	-۱۳/۳۳۱	-۰/۰۳۴	اهرم مالی
۰/۷۰۲	۰/۳۸۱	۱/۵۳۲	ارزش بازار به ارزش دفتری ح.ص.س.
آماره F (معناداری)			۵۴/۰۷۰ (۰/۰۰۰)
ضریب تعیین			۰/۳۱۲
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۸۲
آماره دورین - واتسون			۱/۸۷۸

نتایج حاصل از تخمین مدل مربوط به فرضیه فرعی سوم پژوهش مبنی بر تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته، نشان می دهد که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده ($P\text{-Value} = 0.000$) و مقدار R^2 تعدیل شده برابر ۰/۲۸۲ می باشد و نشان می دهد که حدود ۲۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی بیان می گردد. ضریب برآوردی مورد نظر در این مدل، β_1 (دوره تصدی حسابرسی) است که نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر دوره تصدی حسابرسی، میزان یا سطح افشای داوطلبانه شرکت ها، به اندازه ۰/۰۰۷ افزایش می یابد. از سوی دیگر، این متغیر در سطح اطمینان مورد نظر معنی دار می باشد ($P\text{-Value} = ۰/۰۴۵$) و ضریب مثبت این متغیر، گویای آن است که دوره تصدی حسابرسی، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت دارد. در نتیجه فرضیه فرعی سوم پژوهش تایید می شود. از طرف دیگر، از میان متغیرهای کنترلی، ملاحظه می شود که متغیرهای اندازه شرکت و بازده دارایی ها، تأثیر مثبت و معناداری بر متغیر وابسته پژوهش داشته و متغیر اهرم مالی، تأثیر منفی و معناداری بر متغیر مزبور دارند.

۹- بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات در بازار سرمایه پرداخته شد. نتایج حاصل از تحلیل های آماری فرضیه اول، بیانگر این موضوع بود که اندازه حسابرسی، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت و معناداری دارد. در حقیقت، در صورت انتخاب حسابرسان بزرگ برای امر حسابرسی شرکت، این مورد برداشت خواهد شد که چنین شرکت هایی با عنایت به کیفیت بالای حسابرسی این اشخاص (حسابرسان) مستقل، متعاقباً کیفیت سود بالایی نیز خواهند داشت. به عبارت بهتر، گزینش حسابرسان بزرگ یا با کیفیت، نشان از این دارد که شرکت خواهان کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کیفیت افشا در محیط سازمان است. چنین حسابرسانی، شرکت را ترغیب به افزایش سطح بیشتری از اطلاعات اختیاری خواهند کرد تا جایگاه شرکت در نزد اشخاص برون سازمانی بهبود یابد. نتایج حاصل از این فرضیه، با نتیجه بدست آمده از پژوهش احمدی و بوری (۲۰۱۷) همسو می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل های آماری فرضیه دوم، بیانگر این موضوع بود که تخصص در صنعت حسابرسی، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت و معناداری دارد. در حقیقت، متخصص بودن حسابرسان در صنعت، مزایای عمده ای برای شرکت صاحبکار به ارمغان می آورد. چنین حسابرسانی با استناد به دانش و تخصصی که طی سالیان متمادی انجام فعالیت حسابرسی در عرصه صنعت خاص کسب کرده اند، می توانند در قالب یک ابزار اطلاع رسانی برای تصمیم گیرندگان ارشد شرکت تلقی شوند. آنها می توانند

با ارائه شمای کلی از بازار، شرکت را در جهت بهبود عملیات خود یاری رسانند. در نتیجه، شرکت با بهره گیری از اطلاعات و دانش چنین حسابرسی، سطح افشای داوطلبانه را تقویت کرده تا اطلاعات خاص تر و با جزئیات بیشتری در دسترس سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و ... قرار گیرد. نتایج حاصل از این فرضیه، با نتیجه بدست آمده از پژوهش احمدی و بوری (۲۰۱۷) همسو می باشد.

نتایج حاصل از تحلیل های آماری فرضیه سوم، بیانگر این موضوع بود که دوره تصدی حسابرسی، بر سطح افشای داوطلبانه اطلاعات، تأثیر مثبت و معناداری دارد. آنچه از نتایج این فرضیه بر می آید، این است که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، حسابرسان شناخت بیشتری از فعالیت صاحبکار کسب کرده و آگاهی آنها نسبت به کار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می ورزند. آنها سعی می کنند با به کارگیری آزمون های بیشتر و قوی تر، حسابرسی با کیفیت تری را انجام دهند. در واقع، اثر توأمان تخصص در صنعت و دوره تصدی حسابرسی بر محیط فعالیت یک شرکت، موجب بهبود ارکان افشای اطلاعات آن خواهد شد و شرکت در راستای افزایش قدرت تصمیم گیری اشخاص برون سازمانی، اقدام به افشای اطلاعات اختیاری خواهد کرد. نتایج حاصل از این فرضیه، با نتیجه بدست آمده از پژوهش احمدی و بوری (۲۰۱۷) همسو می باشد.

۱۰- مراجع

۱. اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی. دانش حسابداری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹-۲۸.
۲. بشیری منش، نازنین؛ رحمانی، علی؛ حسینی، سید علی و موسوی، میر حسین. (۱۳۹۴). قیمت گذاری افشای اختیاری در بازار سرمایه ایران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۳۰۰-۲۷۹.
۳. بوژمهرانی، احسان و کامیابی، یحیی. (۱۳۹۶). بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر افشای اختیاری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، جلد ۱۷، شماره ۶۷، صص ۱۴۷-۱۶۳.
۴. پورحیدری، امید؛ یوسف زاده، نسرين؛ اعظمی، زینب و معصومی بیلندی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین کیفیت سود و هزینه سرمایه با افشای اختیاری. دانش حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱-۲۰.
۵. حاجیان، نجمه؛ انواری رستمی، علی اصغر؛ رحمانی، علی و آذر، عادل. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر سطح افشای اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۷۱-۹۲.
۶. خدادادی، ولی؛ ویسی، سجاد و نیک کار، جواد. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر تغییرات اظهارنظر حسابرس بر به موقع بودن افشا در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال هشتم، شماره سی ام، صص ۷۰-۸۷.
۷. دوانی، غلامحسین و معینی، محمدرضا. (۱۳۸۶). مقررات افشاء، عدم تقارن اطلاعاتی و پیامدهای اجتماعی آن. مؤسسه حسابرسی دایراپان.
۸. رویایی، رمضانعلی و ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی های کمیته ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق. حسابداری مالی، جلد ۷، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
۹. سپاسی، سحر؛ انواری رستمی، علی اصغر و مسعودی، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان اظهارنظر حسابرسان با زمان بندی افشاء صورت های مالی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، صص ۶۸-۷۹.
۱۰. ستایش، محمدحسین؛ روستا، منوچهر و علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۶۸.
۱۱. سجادی، زانیار؛ پورحیدری، امید و خدای پور، احمد. (۱۳۹۶). اثرات همبستگی درون صنعتی بر محیط گزارشگری مالی. پیشرفت های حسابداری، دوره ۹، شماره ۲، صص ۳۵-۶۲.
۱۲. علوی، سیدمصطفی؛ قانمی، محمدحسین و رضازاده، جواد. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر فعالیت های کمیته های حسابرسی بر گزارشگری مالی. پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۳۵-۶۶.
۱۳. کاشانی پور، محمد؛ رحمانی، علی؛ پارچینی پارچین، سید مهدی. (۱۳۸۸). رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف. بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، صص ۱۰۰-۸۵.

۱۴. کامیابی، یحیی و بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۵). ویژگی های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیات مدیره. پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۹۱-۲۱۸.
۱۵. نبات دوست باغمیشه، محمدحسین و محمدزاده سالطه، حیدر. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت های مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران، دانش حسابرسی، جلد ۱۵، شماره ۶۲، صص ۱۵۹-۱۷۶.
۱۶. نقدی، سجاد و ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۹۵). تاثیر ویژگی های شرکت بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۵-۳۸.
17. Abidin, S., and Ahmad-Zaluki, N.A. (2012). Auditor Industry Specialism and Reporting Timeliness. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 65(3), pp. 873-878.
18. Ahmadi, A., and Bouri, A.J.K.E. (2017). The Effect of Audit Quality on the Extent of Voluntary Disclosure: Companies Listed in the Tunisian Stock Exchange. *Journal of the Knowledge Economy*, Vol 8, Issue 32, pp: 1-15.
19. Alfraih, M.M., and Almutawa, A.M. (2017). Voluntary disclosure and corporate governance: empirical evidence from Kuwait. *International Journal of Law and Management*, Vol. 59 Issue: 2, pp.217-236.
20. Al-Shaer, H., Salama, A., and Toms, S. (2017). Audit committees and financial reporting quality: Evidence from UK environmental accounting disclosures, *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 18 Issue: 1, pp.2-21.
21. Appuhami, R., and Tashakor, S. (2017). The Impact of Audit Committee Characteristics on CSR Disclosure: An Analysis of Australian Firms. *Australian Accounting Review*, 27: 400-420.
22. Asbaugh, H., and Warfield, T.D. (2003). Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market, *Journal of International Accounting Research*, 2, 1-21.
23. Blandon, J.G., and Bosch, J.M.A. (2013). Audit firm tenure and qualified opinions: New evidence from Spain. *Revista de Contabilidad*. 16(2), pp. 118-125.
24. Botosan, C. (1997). Disclosure level and the cost of equity capital. *Accounting Review*, Vol. 72, pp. 323-349.
25. Bueno, G., Marcon, R., Pruner-da-Silva, A.L., and Ribeirete, F. (2018). The role of the board in voluntary disclosure. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, <https://doi.org/10.1108/CG-09-2017-0205>.
26. Bushman, R.M., Piotroski, J.D., and Smith, A.J. (2004). What Determines Corporate Transparency?, *Journal of Accounting Research*, 42, 207-252.
27. Chalmers, K., and Godfrey, J. (2004). Reputation costs: the impetus for voluntary derivative financial instrument reporting. *Accounting, Organizations and Society*, 29(2), 95-125.
28. Chen, W.P., Chung, H., Lee, C., and Liao, W.L. (2007). Corporate governance and equity liquidity: Analysis of S&P transparency and disclosure ranking, Available at SSRN.com.
29. Clarkson, P.M., Ferguson, C., and Hall, J. (2003). Auditor Conservatism and Voluntary Disclosure: Evidence from the Year 2000 Systems Issue. *Accounting and Finance*, 43, 21-40.
30. Davidson, R.A., and Neu, D. (1993). A Note on association Between Audit Firm Size and Audit Quality. *Contemporary Accounting Research*. 9(2), pp. 479-488.
31. DeAngelo, L.E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183-199.
32. Dunn, K.A., and Mayhew, B.W. (2004). Audit Firm Industry Specialization and Client Disclosure Quality, *Review of Accounting Studies*, 9, 1, 35-58.
33. Elder Randal, J. (2015). Audit Firm Rotation, Auditor Specialization, and Audit Quality in the Municipal Audit Context. *Journal of Governmental & Nonprofit Accounting*, 4, 73-100.
34. El-Diftar, D., Eleri Jones, M., and Ragheb, M.S. (2017). Institutional investors and voluntary disclosure and transparency: the case of Egypt. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, Vol. 17 Issue: 1, pp.134-151.
35. Fama, E.F. (1980). Agency problem and the theory of the firm. *Journal of Political Economy*, 82(2), 288-307.
36. Frankel, J.A., Stein, E., and Shang-Jin, W. (1999). Trading Blocs and the Americas: The Natural, the Unnatural, and the Supernatural. *Journal of Development Economics*, Vol. 47, No. 1, pp. 61-95.
37. Guthrie, J., and Boedker, C. (2006). Perspectives on "new" models of business reporting: A reflective note. *Accounting Auditing and Accountability Journal*, 19 (6): 785 - 792.
38. Habib, A., and Bhuiyan, B.U. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. 20(1), pp. 32-44.
39. Halder, A., and Raithatha, M. (2017). Do compositions of board and audit committee improve financial disclosures?, *International Journal of Organizational Analysis*, Vol. 25 Issue: 2, pp.251-269.
40. Klein, B.R., and Leffler, K. (1981). The role of market forces in assuring contractual performance. *Journal of political economy*, 89(4), 615-641.
41. Lee, P.J., Taylor, S.J., and Taylor, S.L. (2006). Auditor Conservatism and Audit Quality: Evidence from IPO Earnings Forecasts', *International Journal of Auditing* , 10, 182-199.

42. Legoria, J., Reichelt, K.J., and Soileau, J.S. (2017). Auditors and Disclosure Quality: The Case of Major Customer Disclosures. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory* In-Press.
43. Martins, M.M., Morais, A.I., Isidro, H., and Laureano, R. (2016). Intellectual Capital Disclosure: the Portuguese Case. *Journal of the Knowledge Economy*. doi:10.1007/s13132-016-0412-6.
44. Md Zaini, S., Samkin, G., Sharma, U., and Davey, H. (2018). Voluntary disclosure in emerging countries: a literature review. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 8 Issue: 1, pp.29-65.
45. Myers, J.N., Myers, L.A., and Omer, T.C. (2003). Exploring the Term of the Auditor–client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?. *Accounting Review*. 78(3), pp. 779–800.
46. Palmer, P.D. (2008). Disclosure of the Impacts of Adopting Australian Equivalents of IFRS, *Accounting and Finance* (forthcoming).
47. Sellami, Y.M., Fendri, H.B. (2017). The effect of audit committee characteristics on compliance with IFRS for related party disclosures: Evidence from South Africa, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 32 Issue: 6, pp.603-626.
48. Wallace, R.S.O., Naser, K., and Mora, A. (1994). The Relationship between the Comprehensiveness of Corporate Annual Reports and Firm Characteristics in Spain, *Accounting and Business Research*, 25, 41-53.
49. Wolk, H.I., Dodd, J.L., and Tearney, M.G. (2004). *Accounting Theory: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, 6th edition, United States of America: Thomson